



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

چگونه توانستم مشکل دو زبانی دانش آموزم را با فعالیت های تکمیلی در کلاس

درس برطرف کنم.

سمانه قاسمی

لیسانس مهندسی کامپیوتر، دانشگاه پیام نور بیرجند

Chirooooo۲@yahoo.com

چکیده

در ابتدای سال تحصیلی با دانش آموزی روبرو شده ام که دوزبانه بود بخاطر همین من برای حل این معضل تصمیم به انجام این اقدام پژوهی گرفتم و با تحقیقاتی که انجام داده ام به این نتیجه میرسیم که زبان وسیله اصلی ارتباط، تفهیم و تفاهم است؛ ولی برای کودکان دو زبانه، گاهی سد راه ارتباط، تفهیم و تفاهم می گردد. به نظر می رسد مشکل اصلی این دانش آموزان سواد آموزی نیست و در درک ریاضی، علوم و غیره مشکل ندارند. مشکل آنها، این است که نمیتوانند به زبانی که معلم تکلم می کند، با او ارتباط ادراکی برقرار کنند. اینجانب سمانه قاسمی، امسال در مدرسه آمنه شهرستان هوشک سیستان و بلوچستان به عنوان آموزگار تدریس مینمایم بر آن شدم تا این مشکل دانش آموزانم را با راهکارهای مصاحبه و گفت و گوی شفاهی با همکاران و عوامل مدرسه و با خود دانش آموزان به صورت مستقیم، استفاده از روش دستوری و ترجمه آموزش زبان، شیوه غوطه وری با هدف همگون سازی که هدف آن همگونی و مشابه سازی زبان اقلیت با زبان اکثریت می باشد و در آن زبان اکثریت مورد تاکید قرار می گیرد، جداسازی با هدف حفظ استقلال، غوطه وری با هدف تکثر گرایی برطرف کنم.

کلمات کلیدی: حل دوزبانگی، آموزش و پرورش، کودکان

مقدمه

زبان برای دانش آموزان فارسی زبان وسیله ای آشنا، در دسترس و بدون تلاش آگاهانه و برای دانش آموزان غیر فارسی زبان، وسیله ای نا آشنا با تلاش آگاهانه می باشد. بیشتر وقت و انرژی غیر فارسی زبانها، صرف درک زبان و زبان آموزی می شود و برای سواد آموزی، زمان، انرژی و انگیزه ای نمی ماند. هدف این تحقیق، بررسی مشکلات دانش آموزان دو زبانه می باشد که بی توجهی به این مهم، باعث ناتوانی در سواد آموزی، افت و ترک تحصیلی دانش آموزان می شود. دلیل منطقی اجرای این پژوهش روبرو شدن با این مسئله در کلاس است و اهمیت آن خیلی زیاد است و ارتباط منطقی بین مسئله پژوهش در کلاس درس است. این پژوهش با پژوهش های قبلی ارتباطی ندارد و فقط برای این مشکل پیش آمده در کلاس انجام داده ام.

دوزبانه بودن مدارس در صورتیکه شرایط و بسترهای لازم برای شکوفایی استعدادها و افزایش توانمندی ها فراهم باشد به عنوان یک مزیت مطرح می شود چنانکه به استناد آزمایش های «کاترین مونت» زبانشناس بلژیکی، عملکرد مغزی دو زبانه ها

به مراتب سریع تر از تک زبانه ها در حل مسائل مشابه است. اما گاه دو زبانه بودن مدارس در خلاء بسترها و شرایط لازم برای رشد و شکوفایی، مساله ساز می شود.

در شرایط کنونی توجه به چندگونگی های زبانی به ویژه در امر آموزش، امری پذیرفته شده و مورد تاکید سازمان های مرتبط بین المللی و برخی نظام های سیاسی است. در همین زمینه اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می دارد «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

هدف: رفع مشکل دوربانی دانش آموز بلوچی ام را در کلاس درس

توصیف

توصیف موقعیت فیزیکی:

مدرسه آمنه در شهر هوشک در سیستان و بلوچستان شهرستان سراوان واقع شده بود. درب مدرسه به طرف غرب باز میشد، تابلوی مدرسه را دیدم که روی آن اسم مدرسه در زمینه زیبا نوشته شده بود. درب ورودی مدرسه باز بود. وارد حیاط مدرسه که شدیم تعداد زیادی دانش آموز وجود داشتند که فضای بسیار زیبایی در حیاط مدرسه ایجاد کرده بودند، حیاط مدرسه خیلی بزرگ بود ساختمان اصلی از ۱۰ کلاس تشکیل شده بود و تقریباً به شکل مستطیل بود و درب آن دقیقاً روبه روی درب ورودی حیاط باز میشد. ساختمان شامل دفتر مدرسه، نماز خانه، کتابخانه و کلاس هوشمند بود، دیوارها به رنگ کرمی کم رنگ بودند در راه رو تعدادی تابلو و برد نصب شده بود و تعدادی هم کپسول آتشنشانی که تعداد آن سه عدد بود و به نظر میرسید برای مدرسه کافی باشد و همچنین جعبه کمک های اولیه نصب شده بود. بعد از این که وارد دفتر مدرسه شدیم دفتر مدرسه هم مانند حیاط آن بسیار بزرگ بود، حدود ۱۴ تا صندلی در آن گذاشته شده بود، در دفتر دو میز قرار داشت که یکی برای مدیر و یکی هم برای معاون بود کلاس ما تعدادی نیمکت در آن قرار داشت، کلاس دارای تخته وایت برد بود و پشت تخته هم ساعت نصب شده بود و وسط اشغال هم در گوشه سمت چپ در پشت در گذاشته شده بود، روی دیوار کلاس برنامه کلاسی، و تصاویر مختلف نصب شده بودند و ۴ لامپ کم مصرف فضای کلاس را روشن کرده بود و نور تقریباً کافی داشت.

توصیف موقعیت ساختاری:

مدرسه دارای شش پایه و جمعیت دانش آموزان حدود دویست نفر می باشد. هریایه آموزگار مختص خود را دارد. از لحاظ چارت ساختاری دارای مدیر مدرسه، ۱۰ نفر آموزگار و ۲ معاون می باشد. ابتدا مدیر توضیحاتی درباره چارت سازمانی و وظایف خود دادند که اولین کار و وظیفه ی معاون آموزشی امضاء دفتر اندیکاتور است. و همچنین ساعت ورود و خروج کارکنان را کنترل میکنند و نیز معاون آموزشی این وظیفه را دارد که معلم به موقع سر کلاس حضور پیدا کند و چگونگی پوشه کار رانیز زیر نظر دارد که کدام کار را معلم در پوشه کار قرار میدهد.

همچنین در مورد وظایف معاون پرورشی توضیحاتی دادند. که به شرح زیر است: ۱- برگزاری صبحگاه ۲- برگزاری مناسبات ۳- برگزاری نماز جماعت و سایر برنامه ها در ماه محرم و...

سپس مدیر مدرسه در باره ی وظایف خود توضیح دادند که هماهنگی بین سه معاون را برعهده دارد و هراتفاقی بیافتد بر عهده مدیر است و مدیر باید پاسخ گو باشد، مدیر رابط بین مدرسه و اداره و رابط بین معلمان و اولیاء است و همچنین بررسی حساب و کتاب مال مدرسه را بر عهده دارد.

سپس معاون اجرایی وظایف خود را شرح دادند که تمام کار های کامپیوتری و اینترنتی را بر عهده دارد و تمام بخشنامه هایی که از اداره فرستاده میشود را باید تحویل بگیرد و بررسی کند و پاسخ بدهد و همچنین انواع فرمهایی وجود دارد که باید بر آن نظارت داشته باشد و بررسی کند مانند فرم معرفی به پزشک، فرم افراد بی سرپرست و...

توصیف موقعیت آموزشی:

مدرسه ای قدیمی که در حیاط آن چندین درخت بود و کف حیاط مدرسه سیمان شده بود مدرسه ایی دو طبقه که نمای آجر سفال داشت از در که وارد شدم سمت راست دفتر مدرسه و آبدارخانه بود و در سمت چپ هم نماز خانه و کلاس هوشمند و رو به روی در پله هایی که به طبقه بالا که کلاس ها بود منتهی میشد و در ابتدای چند هفته ای افتخار آشنایی و گفتگو با دانش آموزان این مدرسه را داشتیم در چند جلسه اول از همان روز های اول حضور این دانش آموزان در مدرسه بنده و دیگر همکاران شاهد انزوا و گوشه گیری و عدم مشارکت این دانش آموز در روند فعالیت های کلاسی بودیم. برداشت بنده و همکاران از بی انگیزگی و کناره گیری این دانش آموز از شرکت در فعالیت های کلاسی این بود که این دانش آموز باتوجه به بلوغ زبان و دو زبانه بودن توانایی تکلم و صحبت کردن سلیس و روان ته زبان فارسی را ندارند

و با توجه به تعهد و وجدان کاری و علاقه ای که بنده اولاً به حرفه و شغل شریف معلمی و ثانیاً به تک تک دانش آموزان دارم از همان روزهای آشنایی با این دانش آموزان سراسر با این سوال مواجه بودم که چه کنم چگونه تدریس کنم از چه ترفندها و تکنیکهایی بهره ببرم تا بتوانم او را نیز همانند دیگر دانش آموزان مشتاق و با انگیزه به شرکت در فعالیت های کلاسی نمایم و بتوانم شرایطی فراهم کنم که دانش آموزان پیش گفته هم از آموزش یکسان و برابر با دیگر دانش آموزانم بهره ببرند و خودشان را به عنوان جز مهم و رکن اصلی کلاس درس بپذیرند.

توصیف موقعیت عاطفی:

الف (روابط متقابل مدیر با معلمان :

احترام متقابل بین مدیر و معلمان بسیار محترمانه است. این احترام متقابل به خوبی رعایت می شود بطوری که در هر جای مدرسه با هم برخورد داشتند به هم سلام و احوال پرسی می کنند . و اگر مسئله و مشکلی در مدرسه وجود داشته باشد معلمان خیلی راحت مسائل ومشکلات خود را با مدیر در میان می گذارند.

ب (روابط متقابل معلم با دانش آموزان :

رابطه معلم با دانش آموزان یک رابطه صمیمانه و دوستانه است و گاهی هم معلم متناسب با نوع رفتار دانش آموزان واکنش نشان می دهد مثلاً گاهی اوقات در کلاس در بین تدریس هایش شوخی هایی هم می کند تا دانش آموزان و کلاس را از بی انگیزگی در آورد . دانش آموزان هم احترام خاصی برای معلم قائل هستند واز آنجایی که این معلمین از سابقه و تجربه بالایی بر خوددار است در مدت کوتاهی خیلی خوب خصوصیات و اخلاقیات تک تک دانش آموزان خود را می داند و با هر کس متناسب با رفتار خودش رفتار می کند .

پ) تبیین روابط دانش آموزان با یکدیگر:

دانش آموزان کلاس که من سر کلاس آن ها بودم با یکدیگر همکاری لازم را داشتند ولی برخی از دانش آموزان گاهی اوقات به خاطر حسادت یا لجبازی از یکدیگر شکایت می کردند و یا با یکدیگر دعوا می کردند .

استنباط

استنباط موقعیت فیزیکی:

بنظر می رسد مدرسه در موقعیت جغرافیایی مناسبی قرار دارد و همچنین محیط مدرسه و کلاس ها و امکانات موجود در آنها تا حدی غنی ومناسب است و تا حد زیادی می توان از امکانات موجود درمدرسه در تسهیل امر آموزش استفاده کرد.

استنباط موقعیت آموزشی:

فهم زبان معلم یکی از مولفه های مهم در عرصه تعلیم و تربیت است. کژ فهمی در دانش آموزان سخنان معلم در دانش آموزان دوزبانه نیز به صورت گسترده وجود دارد. یکی از دلایل ضعف دانش آموزان در یادگیری می باشد که خود دلایل مختلفی از جمله عدم آموزش زبان دوم و ... دارد. با مشاهدات و بررسی وضعیت تحصیلی این دانش آموز و عدم پاسخگویی به سوالات درک کردم که شاید متوجه حرف های من نمیشود یا شاید این دانش آموز از استعداد و قدرت درک برخوردار نمی باشند ولی عدم

تمرکز روحی و ترس از بازخورد و بازخواست و . استنباط و درک من به این موضوع مرا به تحقیق و امی داشت و تمام تلاشم را می کردم تا علت را پیدا کنم به و موضوع دیگری نیز استنباط کرده بودم که این دانش آموز در نوشتن کلماتی که به او میگویم هم مشکل دارد.

استنباط موقعیت عاطفی:

فهم صدای معلم هنگام شروع کلاس و حتی حین تدریس بسیار مهم است و اگر دانش آموز صداها را نفهمد و تشخیص ندهد در امر آموزش دچار مشکل خواهد شد لذا لحن و تن صدای معلم تا حد زیادی بر میزان یادگیری تاثیر دارد و اگر نباشد جذابیت کلاس کمتر خواهد شد.

بازنگری

بازنگری (سفید): کلاس بازده ندارد و دانش آموزان صحبت های معلم را به منظور یادگیری متوجه نمیشود

بازنگری (قرمز): چرا علیرغم تلاش های زیاد معلم باز هم دانش آموزان انتظارات معلم را برآورده نمی کنند؟

بازنگری (سیاه): معلم کاملاً کلاس را به شیوه ی مناسب اداره و تدریس می کند و سعی در برقراری ارتباط سازنده با دانش آموزان ندارد.

بازنگری (زرد): در این مرحله علاوه بر مشاهدات عینی و یافته های خویش در مواجهه با دانش آموز مذکور و حدس و گمان های شخصی در مورد مشکل او برای رسیدن به نتیجه تصمیم گرفتم با والدینشان صحبتی داشته باشم و در مورد رفتار و شخصیت این دانش آموزان از آنان نیز کسب اطلاعات کنم. در این مرحله والدین نیز مشکل این دانش آموزان در مواجهه با معلم را تایید کردند.

بازنگری (سبز): بهتر است معلم برای تغییر وضع موجود چاره ای بیندیشد و با روش هایی، مشکل را حل کند تا دانش آموزان بیشتر جذب کلاس درس شوند.

بازنگری (آبی): با توجه به شواهد گردآوری شده، مساله مهم و جدی است. آیا معلم در پی تغییر وضعیت کلاس هست؟ آیا او سال های گذشته هم کلاس حضوری را هم به همین روش اداره می کرده؟ آیا دانش آموزان در کلاس حضوری هم صحبت های معلم را متوجه نمیشوند؟ باید برای تغییر این وضعیت راه حل و روش های مهمتر و جدی تری را دنبال کرد و از طریق آنها کیفیت آموزش را در کلاس بالا برد و توجه دانش آموزان را بیشتر به کلاس جلب کرد.

قضاوت و مسئله یابی

با توجه به توصیف ها و شواهد جمع آوری شده مساله این است که دانش آموزان به دلیل اینکه دو زبانه هستند و مشکل دو زبانی دارند متوجه حرف های معلم نمیشوند. برای پاسخ به این سوال ها باید زیر مجموعه ای از عوامل کشف شوند تا با ارائه ی راهکارهای کاربردی برای از بین بردن یا کاهش آن ها، تغییرات مناسب و مثبت در کیفیت آموزش مدرسه ایجاد شود.

علل و عوامل دوزبانه بودن دانش آموزان را می توان به پنج دسته تقسیم کرد:

الف) عدم یادگیری زبان دوم در کودکی

ب) بی توجهی والدین به آموزش زبان دوم

روش تدوین:

ابتدا با حضور در کلاس و با بررسی فعالیت های دانش آموزان، مساله دوزبانی آموزانم شناسایی شد سپس با جستجو و بررسی نظریه های موجود و پشتیبان، راه حل هایی برای تقویت زبان دانش آموزانم ارائه شد و در طی یک هفته و پنج گام در کلاس به مرحله ی اجرا درآمد سپس میزان اثرگذاری راه حل ها سنجیده شد. در ادامه، با ارائه گزارش از مراحل انجام شده، پژوهش به پایان رسید.

بیان مسئله

اینجانب سمانه قاسمی در دبستان آمنه در شهر هوشک در سیستان و بلوچستان شهرستان سراوان به عنوان آموزگار مشغول به تدریس شدم. خوشبختانه از همان روزهای آغازین سال تحصیلی توانستم با دانش آموزان خود پیوند و ارتباط خوبی برقرار نمایم و از جلسات بعدی روند پیشرفت و موفقیت دانش آموزان تمام پایه ها را با توجه به میل و اشتیاق آنها نسبت به مشارکت در فعالیت های کلاسی، نمرات قابل قبول در امتحانات کلاسی و پیشرفتی که در برخی از دانش آموزان مشاهده مینمودم مثبت و رضایت بخش ارزیابی نمودم تا اینکه با گذشت هفته اول مهرماه با توجه به اینکه اکثر دانش آموزان این مدرسه که ساکن این منطقه هستند از همان روز های اول حضور این دانش آموزان در مدرسه بنده و دیگر همکاران شاهد انزوا و گوشه گیری و عدم مشارکت این دانش آموزان در روند فعالیت های کلاسی بودیم. برداشت بنده و همکاران از بی انگیزگی و کناره گیری این دانش آموزان از شرکت در فعالیت های کلاسی این بود که این دانش آموزان با توجه به زبان و دو زبانه بودن توانایی تکلم و صحبت کردن سلیس و روان ته زبان فارسی را ندارند و با توجه به تعهد و وجدان کاری و علاقه ای که بنده اولاً به حرفه و شغل شریف معلمی و ثانیاً به تک تک دانش آموزان دارم از همان روزهای آشنایی با این دانش آموزان سراسر با این سوال مواجه بودم که چه کنم چگونه تدریس کنم از چه ترندها و تکنیکهایی بهره ببرم تا بتوانم آنها را نیز همانند دیگر دانش آموزان مشتاق و با انگیزه به شرکت در فعالیت های کلاسی نمایم و بتوانم شرایطی فراهم کنم که دانش آموزان پیش گفته هم از آموزش یکسان و برابر با دیگر دانش آموزان بهره ببرند و خودشان را به عنوان جز مهم و رکن اصلی کلاس درس بپذیرند. تا این که انگیزه کار پژوهشی در من شرایطی فراهم کرد که بنده بتوانم به صورت عملی و دقیقتر به بررسی مشکل دو زبانه بودن و تاثیر آن در برخورداری از آموزش و بررسی دلایل بی انگیزگی این دانش آموزان به تحصیل در مدرسه و عواقب این بی انگیزگی به عملکرد و میزان پیشرفت تحصیلی این دانش آموزان بپردازم.

الف: پیشینه نظری

شناخت ماهیت زایشی قوه تعقل، روی رابطه زبان و گفتار یا رابطه بین دانش زبان و کاربرد آن، پرتو تازهای میتاباند که این امر در فرآیند فرهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که از این یافته‌های زبانی با توجه به تاثیر آن بر فرهنگ استفاده مینمایند. توانش زبانی یک سخنگوی بومی از این دیدگاه، بیشتر به قواعد ساختن یک قطعه موسیقی شباهت دارد، به طوری که سخنگو تا حدی نقش آهنگساز و اجرا کننده را تلفیق میکند. کاربرد زبان از این نظر به آهنگ ساختن و نواختن شباهت پیدا میکند که در عین حال از قواعد دستگاه خاصی پیروی مینماید و نقش گوینده و نقش شنونده به تحوی پیچیده بر هم تأثیر دارند، موضع گوینده را می توان به صورت مکانیسم تصویر کرد که در آن «فکری که اراده شده» در حکم «گذاشت» و «امواج صوتی تولید شده» در حکم «برداشت» است. این فرآیند که در مجموع یک پیام را به صورت زنجیره ای از علایم تبدیل میکند، از چند بخش تشکیل می شود که به طرق مختلف با هم در ارتباط هستند (لطف آبادی، ۱۳۶۵) و در نهایت بر فرهنگ شنونده تاثیر گذار خواهد بود از طرفی موضع شنونده را میتوان به صورت مکانیسمی تصویر کرد که در آن «امواج صوتی تولید شده در حکم گذاشته است و آنچه پس از پردازش» به صورت برداشت «عرضه میکند»، متأثر از فرهنگ شنونده است که «توصیف ساختاری» مصالب شنیداری شده را در مغز وی ثبت مینماید. در واقع گوش شنونده از امواج صوتی، اطلاعاتی استخراج می کند که فقط آنهایی نیست که به ساخت زبانی مربوط میشود بلکه مقدار زیادی از این اطلاعات متأثر از فرهنگ بومی شنونده است که با فرهنگ

شنیده میشود و یا با توجه به فرهنگ تولید و اشاعه مییابد، این اتفاق در کلاس درس نیز روی میدهد، به طوری که شاگردان به عنوان شنونده و اغلب معلم به عنوان گوینده، ایفای نقش میکنند. معلم درس را با زبان رسمی کشور بیان میکند و شاگرد به عنوان شنونده آن را میشنود. تا بفهمد و یاد بگیرد، در این حالت اگر فردی از آغاز تولد یا در طول رشد خود در یک خانواده و یا یک جامعه دو زبانه زندگی کند، بدون هیچ گونه آموزش رسمی، از دو زبان بهره‌مند می‌شود و در نتیجه در هر دو زبان توانایی درک و کارکرد ارتباطی به دست می‌آورد. اما فردی فقط در خانواده و با زبان مادری سخن گفته است به راحتی نمیتواند زبان فارسی را به زبان بومی مبدل کند. او سعی می‌کند تا با زبان منشعب از فرهنگ قومی مطالب بیان شده را توصیف ساختاری نماید در این جا ملاحظه میشود که ساختار زبانی در فرآیند آموزش و پرورش از آبخور فرهنگ نیز سیراب میگردد. در حالی که معلم هنگام تدریس از زبان ساختگی یعنی زبان علمی که برای ساده سازی مفاهیم مشکل به کار میرود، بهره می‌گیرد و آن را با زبان رسمی کشور بیان مینماید. در این حالت روشن است که کودک دو زبانه به سختی مطالبی را که می‌شنود، می‌فهمد و یادگیری دشواری خواهد داشت .

این یادگیری دشوار در سه سطح زبانی، اجتماعی و فرهنگی به سمت جریان جامعه‌پذیری سوق می‌یابند. بنابراین با توجه به مطالب یادشده، شکاف بین زبان مدرسه‌ای و زبان مادری منشعب از فرهنگ بومی و قومی دانش آموزان، امر یادگیری را با مشکل مواجه میسازد. پس در این پژوهش تلاش شده است که اختلالات یادگیری کودکان دو زبانه ناشی از عامل جامعه پذیری مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی برای برطرف شدن این معضل ارائه شود .

با توجه به اهمیت مشکلات یادگیری آن دسته از دانش آموزان ایرانی که زبان مادری آنان متفاوت از زبان فارسی است و با توجه به تأثیرات معنی دار سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی پژوهش انجام گرفته توسط شمس اسفند آباد و امامی پور (۱۳۸۲) به نتیجه رسیده اند که دانش آموزان یک زبانه، در مقایسه با دانش آموزان دو زبانه از سبک یادگیری شهودی یا دیداری برخوردارند، در حالیکه دانش آموزان دو زبانه، در مقایسه با دانش آموزان یک زبانه سبک یادگیری حس و کلامی دارند.

در توجیه توانایی کلامی بهتر دانش آموزان دو زبانه، سیگون و مک کی، ترجمه واقدی و همکاران (۱۳۶۹) (به نقل از شمس اسفند آباد و امامی پور - ۱۳۸۲) دو زبانه بودن را منبع بزرگی برای کودک محسوب می‌دارند و معتقدند که: «کودک دو زبانه آگاهی بهتری از زبانهای متفاوت دارد و در یادگیری زبانهای جدید در موقعیت بهتری قرار دارد. از نظر آن ها زبان هم یک وسیله ارتباطی با دیگران و هم ابزاری برای فعالیت ذهنی است؛ زیرا تفکر تا حد زیادی کلامی است. به این ترتیب آنها بر این اورند که چون فرد دو زبانه از دو زبان سود می‌جوید و در نتیجه دو ابزار ذهنی در اختیار دارد. دو زبانه بودن موجب افزایش توانایی - های بالقوه او می‌شود» (ص ۲۳)

یکی از عظیم ترین و حساس ترین حقوق کودکان، حق زبانی و دقیق تر بگوییم زبان آنهاست وسیله ای که جهان درون و بیرون کودک با آن تبیین می‌شود، با آن لمس می‌گردد و همراه با آن رشد می‌کند. پژوهشهای انجام گرفته نیز همین مسئله را آشکار می‌سازد که آموزش به زبان مادری از نظر روان شناختی، اجتماعی، عاطفی و از نظر آموزشی کودک را تحت تأثیر قرار

می دهد و موجب ارتقاء او از نظر تفکر و رشد زبانی و ذهنی او می شود و از نارسائیهای موجود که تحت تأثیر این عوامل بوجود می آید می کاهد.

یکی از عوامل مؤثر در میزان موفقیت کودکان در یادگیری زبان دوم، یادگیری زبان مادری می باشد و اساسی ترین راه ممکن تدوین کتابها و روشهای تدریس مناسب با موقعیتهای متفاوت و آموزش صحیح و اصولی زبان فارسی به کودکان غیر فارسی زبان می باشد و همچنین پیشنهاد تدوین کتابهایی در کنار کتابهای درسی موجود می باشد که زبان مادری آنها را نیز تقویت و گسترش دهند. پس اگر کودک دو زبان را با هم و به موازات هم یاد گیرد و متناسب با توانایی های ذهنی و آموزشی داده شده باشد به تسلط و تبحر کافی در هر دو زبان دست می یابد. در این صورت هر یک از زبانها موجبات غنی سازی و گسترش زبان دیگر را فراهم می سازد و رشد ذهنی و خزانه لغات و واژگانی او گسترده تر و پیچیده تر خواهد شد و رشد زبانی که اساس و بنیاد همه فعالیت های ذهن انسان را تدارک می بیند گسترش می یابد.

پیشینه تجربی

پژوهشی توسط مکتوفی تحت عنوان بررسی رابطه حافظه کاری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه در شهر تهران انجام شد، هدف این مطالعه بررسی رابطه حافظه کاری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه پایه پنجم ابتدایی است یافته های این پژوهش نشان میدهد که میانگین نمره آزمون حافظه دانش آموزان دو زبانه به طور معنا داری بیش از دانش آموزان تک زبانه است اما در درس فارسی میانگین نمره دو زبانه ها به طور معنا داری پایینتر از تکزبانه ها بود عملکرد دانش آموزان دو زبانه در حافظه کاری قویتر از دانش آموزان یک زبانه است این در حالی است که متوسط عملکرد آنان در درس فارسی ضعیف تر از دانش آموزان یک زبانه بود (رحمت زهی و همکاران ۱۳۹۷)

همچنین پژوهشی توسط زحمتکش و همکاران تحت عنوان بررسی رابطه حافظه کاری و بهره هوشی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه دبیرستان های تهران انجام شده که هدف این مطالعه تعیین رابطه و تفاوت حافظه کاری و هوش و سهم آنها در پیش بینی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه است. یافته های پژوهش نشان میدهد که بین نمرات حافظه کاری، هوشو پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه رابطه معنی دار وجود دارد هرچند میانگین نمرات دانش آموزان دو زبانه در نمرات بهره هوشی بالا تر از نمونه های یک زبانه بود اما بین این دو گروه تفاوت معنی داری مشاهده نشد، بعلاوه تفاوت بین حافظه کاری و پیشرفت تحصیلی در بین نمونه های یک زبانه و دو زبانه به نفع دو زبانه ها معنی دار بود (رحمت زهی، و همکاران ۱۳۹۷)

سیر با اجرای آزمون هوش بینه در گروه هایی از کودکان یک زبانه و دو زبانه نشان داد که کودکان دو زبانه نواحی روستایی در مقایسه با کودکان یک زبانه نمره های پایین تری در آزمون هوش داشته اند، این نمرات از هفت تا ۱۱ سالگی سیر صعودی داشت، اما در نواحی شهری تفاوت قابل ملاحظه ای میان کودکان یک زبانه و دو زبانه دیده نشده است (باطنی، ۱۳۶۹)

پژوهشی توسط مکتوفی تحت عنوان بررسی رابطه حافظه کاری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه در شهر تهران انجام شد، هدف این مطالعه بررسی رابطه حافظه کاری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه

پایه پنجم ابتدایی است یافته های این پژوهش نشان میدهد که میانگین نمره آزمون حافظه دانش آموزان دو زبانه به طور معنا داری بیش از دانش آموزان تک زبانه است اما در درس فارسی میانگین نمره دو زبانه ها به طور معنا داری پایینتر از تکزبانه ها بود عملکرد دانش آموزان دو زبانه در حافظه کاری قویتر از دانش آموزان تک زبانه است این در حالی است که متوسط عملکرد آنان در درس فارسی ضعیف تر از دانش آموزان تک زبانه بود. (رحمت زهی و همکاران ۱۳۹۷)

همچنین پژوهشی توسط زحمتکش و همکاران تحت عنوان بررسی رابطه حافظه کاری و بهره هوشی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه دبیرستان های تهران انجام شده که هدف این مطالعه تعیین رابطه و تفاوت حافظه کاری و هوش و سهم آنها در پیش بینی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر یک زبانه و دو زبانه است. یافته های پژوهش نشان میدهد که بین نمرات حافظه کاری، هوش و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تک زبانه و دو زبانه رابطه معنی دار وجود دارد هرچند میانگین نمرات دانش آموزان دو زبانه در نمرات بهره هوشی بالا تر از نمونه های تک زبانه بود اما بین این دو گروه تفاوت معنی داری مشاهده نشد، علاوه تفاوت بین حافظه کاری و پیشرفت تحصیلی در بین نمونه های تک زبانه و دو زبانه به نفع دو زبانه ها معنی دار بود (رحمت زهی و همکاران، ۱۳۹۷)

سیر با اجرای آزمون هوش بینه در گروه هایی از کودکان تک زبانه و دو زبانه نشان داد که کودکان دو زبانه نواحی روستایی در مقایسه با کودکان تک زبانه نمره های پایین تری در آزمون هوش داشته اند، این نمرات از هفت تا ۱۱ سالگی سیر صعودی داشت، اما در نواحی شهری تفاوت قابل ملاحظه ای میان کودکان تک زبانه و دو زبانه دیده نشده است (امیر قاسمی، ۱۳۸۴)

بزرگی در این رابطه می گوید: «یکی از عظیم ترین و حساس ترین حقوق کودکان، حق زبانی و دقیق تر بگوییم زبان آنهاست. وسیله ای که جهان درون و بیرون کودک با آن تبیین می شود، با آن لمس می گردد و همراه با آن رشد می کند» (ص ۹) زبان فقط قواعد گرامری و اصوات گفتاری نیست، زبان یک وسیله ارتباطی است. زبان اساس و بنیاد همه فعالیت های ذهن انسان را تدارک می بیند. (عارفه، ۱۳۸۲)

دانش آموزان دو زبانه بیشتر موقعی به دوزبانگی خود پی می برند که وارد نظام آموزشی مدرسه می شوند و زبان رسمی را از طریق نظام آموزشی شروع به یاد گرفتن می کنند. با توجه به پیامدها و اثرات منفی این نوع از دوزبانگی باید در امر آموزش و پرورش کودکان این مناطق به تفاوت های زبانی و فرهنگی توجه شود. زبان مادری اولین زبان آموخته شده توسط فرد است، زبانی که فرد بدان تکلم می کند. با آن رشد می یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط خود را توسط آن دریافته، لمس کرده و با آن هویت می یابد.

بنابراین در مورد اهمیت یادگیری زبان اول و دوم و چگونگی آموزش زبان رسمی کشور و نقشی که زبان در آموزش ایفا می کند برنامه ریزی های دقیق و علمی در مورد روش های تدریس و کتاب های درسی مناسب صورت گیرد تا شاهد اثرات زیانبار ترک تحصیلی کودکان نباشیم و آنها را از حق آموزش که حق هر کودکی است برخوردار کنیم و چون رشد شخصیت و رشد ذهنی کودک در استفاده از زبان او می باشد پس باید با در نظر گرفتن تمام جنبه های اجتماعی، آموزشی و عاطفی در شخصیت کودک به رشد زبان او بیشتر رسیدگی شود.

(مدرسی، ۱۳۸۴) تعریف و انواع دوزبانگی را اینگونه بیان می کند: دوزبانگی پدیده ای است جهانی که در اکثر کشورهای جهان وجود دارد و عبارت از حالتی است که فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود آموزش می بیند. زبان مادری اولین زبان آموخته شده توسط فرد است، زبانی که فرد بدان تکلم می کند، با آن رشد می یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط خود را توسط آن دریافته ویا لمس کرده و با آن هویت می یابد. اما در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ما زمانی که کودک به سنی می رسد که باید تحت آموزش رسمی قرار گیرد، با زبانی غیر از زبان مادری خود ویتا زبانی که در سراسر کشور به عنوان رسمی شناخته شده و از لحاظ نظام آوایی - واژگانی و دستوری متفاوت از زبان مادری اوست - آموزش می بیند و از این مرحله است که پدیده دوزبانگی مطرح می شود.

بنابراین فرد دو زبانه به فردی اطلاق می شود که از زمان آغاز آموزش رسمی، با زبان دیگری که در کشور عمومیت یافته و در حکم زبان دوم می باشد، آشنا شده و آموزش می بیند. (ص ۲۰) زبان فقط قواعد گرامری و اصوات گفتاری نیست، زبان یک وسیله ارتباطی می باشد که اساس و بنیاد همه فعالیت های ذهن انسان را تدارک می بیند. (عارفه، ۱۳۸۲) دو زبانگی انواع و ابعاد گوناگونی دارد و هر بعد آن نتایج و اثرات متفاوتی دارد و نظام های آموزشی خاص خود را می طلبد ولی در اینجا منظور ما از دوزبانگی زبان مادری کودک و زبان رسمی کشور می باشد که در حین تحصیل آنرا آموزش می بیند. برای تشخیص تفاوت زبان مادری با زبان دوم گفتنی است که زبان مادری یا اولیه زبانی است که فرد با آن هویت می یابد و آن را متعلق به خود می داند.

زبانی که مهمترین نقش را در روابط شخصی او ایفا می کند و فرد برای تفکر و تخیلات خویش از آن استفاده می کند بدین لحاظ که اولین مفاهیم با این زبان در ذهن او شکل می گیرد. (فناپی، ۱۳۶۹) مورد خزانه لغات و زبان آموزی کودکان چنین می گوید که یک کودک طبیعی در سن بین چهار و شش سالگی به زبان مادری خود تقریباً مجهز شده است در این سن کودک به دستگاه صوتی زبان خود و به عبارت دیگر به هسته مرکزی زبان خود مسلط می شود و الگوهای دستوری آنرا به راحتی بکار می برد. البته هیچ وقت نمی توان گفت که یادگیری زبان متوقف می گردد ولی آنچه مسلم است هرچه سن کودک بالاتر رود، میزان زبان آموزی در او کاهش می یابد. از آنجائیکه ما دستگاه دستوری و صوتی زبان خود را در خردسالی یاد می گیریم، تغییرات یادگیری در این دو جنبه زبان در بزرگسالی بسیار کندتر است ولی آن جنبه از زبان که یادگیری آن شاید هرگز متوقف نشود و تا روز مرگ ادامه یابد یادگیری واژگان زبان است، زیرا ما هر روز با چیزهای تازه آشنا می شویم و ناچاریم برای آنها واژه های تازه یاد بگیریم.

باطنی همچنین می گوید: «هرچه تسلط به زبان مادری بیشتر باشد موفقیت فرد در زندگی اجتماعی بیشتر و در مجموع کارایی و تحرک جامعه بیشتر می گردد بدیهی است مستقیم ترین و مؤثرترین راهی که برای افزایش تسلط به زبان مادری وجود دارد، بهبود آموزش آن در مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف است.» رشد شخصیت و رشد فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان با رشد همه جانبه توانایی های زبانی آنان رابطه نزدیکی دارد و چون رشد فعالیت های عالی ذهن، زبان هم یکی از آنهاست از جمله هدف های عمده تعلیم و تربیت می باشد. سپس باید در زمینه شکل گیری و رشد توانایی های زبانی آنان نهایت سعی را کرد.

اگر بخواهیم کودکان شخصیت متکی به خود و رشد شناختی و زبانی پیدا کنند باید از همان خردسالی، یک برنامه دقیق و علمی تعلیم و تربیتی برای آنان برنامه ریزی کنیم این برنامه ریزی باید با موازین بینش، فرهنگی و علمی روان شناسی رشد زبان هماهنگی داشته باشد (شمس اسفند آبادی، ۱۳۶۵). تا بتواند دوگانگی زبان خانه و زبان رسمی جامعه را از بین ببرد و با استفاده از زبان محاوره ای و خانه که کودک با آن سالها رشد یافته، موجبات بهبود زبان رسمی جامعه را پی ریزی کند و از پس روی زبان مادری دانش آموزان جلوگیری کند و از تداخل آنها با زبان فارسی و مشکلات ناشی از آن از جمله افت تحصیلی کودکان دو زبانه پیشگیری گردد.

طبق نظر سیگوان و مک کی در مورد تأثیر زبان مادری در آموزش (به نقل از مدرس، ۱۳۸۳، ص ۴۰) به قرار زیر است: «وقتی که آموزش زبان دوم مبتنی بر یادگیری زبان مادری باشد، نتیجه بهتری خواهد داد و یادگیری زبان دوم برای کودک آسانتر خواهد بود. از همین روست که در به کار بردن زبان مادری کودک لاقل در آغاز تعلیم، تأکید شده است.»

در واقع کنار گذاشتن زبان دانش آموز در سالهای اولیه آموزش برخلاف اصول علمی تعلیم و تربیت شمرده می شود. در پژوهش انجام گرفته در مورد ضرورت بازنگری در سیستم آموزش زبان فارسی (مدرس، ۱۳۸۳) چنین بیان می کند که: از بین دروس دوره ابتدایی دو درس املاء و خواندن زبان فارسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که خواندن، نوشتن و حساب کردن در مقاطع دبستان یکی از اصول سواد آموزی کودکان به حساب می آید. دانش آموزان مناطق دو زبانه بخصوص در دو پایه اول و دوم ابتدایی در فراگیری زبان فارسی چه از نظر گفتاری و شنیداری و به تبع آن در یادگیری سایر دروس با مشکلاتی مواجهند که شامل حال دانش آموزان فارسی زبان نمی شود.

این وضعیت ناشی از به کار بردن کتب و روشهای آموزشی یکسان در سراسر کشور بدون توجه به اختلافات زبانی و تفاوتهای فرهنگی دانش آموزان است. چه بسیارند دانش آموزان با استعدادی که حتی در همان دوره ابتدایی در اثر روشهای نامناسب و غلط آموزش و عدم تجربه کافی بر تدریس اینگونه دانش آموزان، با شکستها و حتی مردودیهای پی در پی مواجه می شوند و از تحصیل که حق هر کودکی است باز می مانند. طبق گزارش استان آذربایجان شرقی (به نقل از مدرس، ۱۳۸۳- ص ۳۲) «بیش از ۵۰٪ مردودین دوره ابتدایی، به کلاسهای اول و دوم اختصاص دارند».

مدرس همچنین می گوید که کودکان تک زبانه و فارسی زبان با تسلط کافی بر زبان فارسی، قبل از ورود به مدرسه با مهارتهای شنیداری و گفتاری زبان خود آشنا می شوند و از بدو تولد آن را کسب می کنند و برای آنان منظور از رفتن به مدرسه صرفاً سواد آموزی (کسب مهارتهای خواندن و نوشتن) زبان فارسی است. در حالیکه برای دانش آموزان دو زبانه مسئله کاملاً فرق می کند، در مورد دو زبانه ها، رفتن به مدرسه در وهله اول یلادگیری یک زبان جدید است لذا عنوان سوادآموز در مورد این گونه دانش آموزان احتمالاً صحیح و علمی نخواهد بود اینان در واقع نوآموزانی هستند که باید علاوه بر کسب مهارتهای خواندن و نوشتن (سواد آموزی) و حتی قبل از آن ضرورت کسب مهارتهای شنیداری و گفتاری زبان فارسی نیز مطرح است، تأثیرات ناشی از افت تحصیلی را تا حدودی کم کنید.

البته در مورد دو زبانه های طبیعی که فرد از آغاز تولد یا در طول رشد خود در یک خانواده یا جامعه دو زبانه زندگی می کند هر دو زبان برای فرد در حکم زبان مادری به حساب می آید مانند زبان سمنانی و زبان فارسی، به خاطر شباهت زبان مادری با زبان رسمی آموزش، پیامدهای مثبتی نیز به بار خواهد آورد و در نتیجه در هر دو زبان به توانایی درک و کارکرد ارتباطی بدست خواهد آورد. (افتخاری، سعداللهی، کسبی - ۱۳۸۴)

چنانچه بنا به گفته باطنی (به نقل از مدرس، ۱۳۸۳) «کتابهای درسی دبستان همه برای فارسی زبانان نوشته می شود و فرض بر این است که همه دانش آموزانی که این کتابها را به دست می گیرند، زبان فارسی گفتاری را می دانند در حالیکه این فرض درست نیست». امیر قاسمی (۱۳۸۴) در این مورد می گوید «اساسی ترین اشکالات کتابهای فارسی که اشکالات کتابهای فارسی که اشکالات دیگر نیز در بطن آن شکل می گیرند به ویژه در دوره دبستان، نقص واژگان آنهاست برای کودکان غیر فارسی زبان. نقص دیگر عدم پیش بینی آموزشی فنوتیک زبان فارسی است که چنین امری همیشه برای کودک و معلم او مشکل ساز است و اشکالات جدی در نوشتن (املاء) بخصوص در سالهای اول دبستان ایجاد می کند». (ص ۱۰، ۱۱)

فناپی (۱۳۸۴) در پژوهش خود چنین اظهار نظر می نمود که اثرات منفی دوزبانگی نه تنها بر پیشرفت تحصیلی محرز بوده، بلکه بر هوش، وضع عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و بر کل شخصیت فرد تأثیر می گذارد و در صورتیکه دانش آموز در دوره ابتدایی نتواند با زبان رسمی آموزش انس بگیرد. با محیط آموزش و در نهایت با جامعه بیگانه خواهد شد و بین زبان مدرسه و زبان دانش آموز شکاف پدید آید.

به خاطر اهمیت آموزش ابتدایی کودکان به زبان مادری آنان، دانشمندی چون پیازه، گلاپارد، الون و ویگوتسکی همچنین اکثر دانشمندان علوم تربیتی مسئله تدریس به زبان مادری را برای کودکان به مثابه یک اصل مهم و پایه ای تلقی می کنند و عدول از آن راجاز نمی شمارند. به همین خاطر اولین کنفرانس مربوط به اهمیت تدریس زبان مادری در سال ۱۹۲۹ در لوگزانبورگ تشکیل شد و نتایج آن بیانگر این امر بود که آموزش به زبانی غیر از زبان مادری - خانوادگی به رشد ذهنی و حتی رشد شخصیت کودک آسیب می رساند.

سیگوان و مک کی (به نقل از مدرس، ۱۳۸۳ - ص ۴۰) بر تأکید یونسکو در آموزش مدرسه ای کودکان در مراحل ابتدایی و یا در تمام مراحل به زبان مادری را مهم تلقی می کند. به همین خاطر مدرس برای رفع مشکلاتی که در آموزش زبان فارسی برای غیر اهل زبان موجود است دو راه حل اساسی زیر را ارائه می کند «۱- مبتنی بودن آموزش مدرسه ای کودکان، لاقلاً در مراحل ابتدایی آن در زبان مادری ۲- طراحی سیستم های آموزش «زبان فارسی به عنوان زبان دوم» با استفاده از دستاوردهای علمی و تجربی آموزش زبان های بین المللی همچون انگلیسی و فرانسه». (ص ۴۰) با اینکه آموزش به زبانی غیر از زبان مادری به رشد ذهنی و حتی رشد شخصیت کودک آسیب می رساند.

تحقیقات انجام شده نیز مؤید همین مسئله می باشد پژوهش های انجام یافته توسط فناپی در سال ۱۳۸۴ نیز بیانگر همین مسئله است که آموزش به زبان مادری از نظر روانشناسی سبب درک بهتر مطلب می گردد و از نظر اجتماعی سبب جذب راحت تر کودک در محیط اجتماعی خود می شود و از نظر عاطفی، کودک را از گسستگی عاطفی نسبت به محیط درس دور می کند

و از نظر آموزشی سبب بالا رفتن کمیت و کیفیت ارتباط در داخل مدرسه و کلاس می شود و دانش آموز را از ابزار اصلی تفکر یعنی ارتباط، برخوردار می کند چنانچه در محیط متعارض درسی که تدریس به زبان غیر مادری صورت گیرد، کودک در تنظیم و بیان تفکرات خود به زبان غیر مادری دچار مشکل می شود، عدم توانایی در بیان مسائل سبب کم حرفی و خود سانسوری، سرخوردگی عاطفی و احساس خجالت در او خواهد شد.

یافته های عارفی (۱۳۸۲) براین نکته تأکید دارد که منابع آموزشی در دسترس، تا چه اندازه ممکن است پیشرفت آموزشی در زمینه زبان دوم کودکان دوزبانه تحت تأثیر قرار دهد. کودکانی که فرصت گذراندن آموزشهای قبل از دبستان حتی به مدت یک ماه را داشته اند تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول مناطق دو زبانه دارد و توانایی یادگیری زبان فارسی آنان به مراتب بیشتر از کودکانی است که این فرصت را در اختیار نداشته اند. همچنین سطح آموزش محیط خانواده و تجارب اولیه کودک در شبکه خانواده و گروه اجتماعی می تواند در ساختار رشد شناختی و زبانی تأثیر گذار باشد.

به نظر ویگوتسکی (به نقل از لطف شمس اسفند آبادی، ۱۳۶۵) مرحله سنی پیش دبستانی را باید مرحله رشد زبان کودک نامید. کودک پیش دبستانی هنوز در مرحله صورت زبان است اما کودک دبستانی از کارکرد زبان آگاه می شود. برای رسیدن به این مرحله، تواناییهای زبانی قبلی کودک باید به حد معینی رسیده باشد البته تحول زبان کودک در یالهای بعدی کند می شود. در صورتیکه تدریس به زبان مادری در مدرسه به خوبی انجام گیرد، تشخیص معانی و انتقال از صورت به معنا با موفقیت همراه خواهد بود.

شناخت ماهیت زایشی قوه تعقل، روی رابطه زبان و گفتار یا رابطه بین دانش زبان و کاربرد آن، پرتو تازهای میتاباند که این امر در فرآیند فرهنگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است که از این یافته های زبانی با توجه به تأثیر آن بر فرهنگ استفاده مینمایند. توانش زبانی یک سخنگوی بومی از این دیدگاه، بیشتر به قواعد ساختن یک قطعه موسیقی شباهت دارد، به طوری که سخنگو تا حدی نقش آهنگساز و اجرا کننده را تلفیق میکند. کاربرد زبان از این نظر به آهنگ ساختن و نواختن شباهت پیدا میکند که در عین حال از قواعد دستگاه خاصی پیروی مینماید و نقش گوینده و نقش شنونده به تحوی پیچیده بر هم تأثیر دارند، موضع گوینده را می توان به صورت مکانیسم تصویر کرد که در آن «فکری که اراده شده» در حکم «گذاشت» و «امواج صوتی تولید شده» در حکم «برداشت» است. این فرآیند که در مجموع یک پیام را به صورت زنجیره ای از علایم تبدیل میکند، از چند بخش تشکیل می شود که به طرق مختلف با هم در ارتباط هستند (لطف آبادی، ۱۳۶۵) و در نهایت بر فرهنگ شنونده تأثیر گذار خواهد بود از طرفی موضع شنونده را میتوان به صورت مکانیسمی تصویر کرد که در آن «امواج صوتی تولید شده در حکم گذاشته است و آنچه پس از پردازش» به صورت برداشت «عرضه میکند»، متأثر از فرهنگ شنونده است که «توصیف ساختاری» مصالب شنیداری شده را در مغز وی ثبت مینماید. در واقع گوش شنونده از امواج صوتی، اطلاعاتی استخراج می کند که فقط آنهایی نیست که به ساخت زبانی مربوط میشود بلکه مقدار زیادی از این اطلاعات متأثر از فرهنگ بومی شنونده است که با فرهنگ شنیده میشود و یا با توجه به فرهنگ تولید و اشاعه مییابد، این اتفاق در کلاس درس نیز روی میدهد، به طوری که شاگردان به عنوان شنونده و اغلب معلم به عنوان گوینده، ایفای نقش میکنند. معلم درس را با زبان رسمی کشور بیان میکند و شاگرد به

عنوان شنونده آن را میشوند. تا بفهمد و یاد بگیرد، در این حالت اگر فردی از آغاز تولد یا در طول رشد خود در یک خانواده و یا یک جامعه دو زبانه زندگی کند، بدون هیچ گونه آموزش رسمی، از دو زبان بهرهمند می شود و در نتیجه در هر دو زبان توانایی درک و کارکرد ارتباطی به دست میآورد. اما فردی فقط در خانواده و با زبان مادری سخن گفته است به راحتی نمیتواند زبان فارسی را به زبان بومی مبدل کند. او سعی می کند تا با زبان منشعب از فرهنگ قومی مطالب بیان شده را توصیف ساختاری نماید در این جا ملاحظه میشود که ساختار زبانی در فرآیند آموزش و پرورش از آبشخور فرهنگ نیز سیراب میگردد. در حالی که معلم هنگام تدریس از زبان ساختگی یعنی زبان علمی که برای ساده سازی مفاهیم مشکل به کار میرود، بهره می گیرد و آن را با زبان رسمی کشور بیان مینماید. در این حالت روشن است که کودک دو زبانه به سختی مطالبی را که می شنود، می فهمد و یادگیری دشواری خواهد داشت .

این یادگیری دشوار در سه سطح زبانی، اجتماعی و فرهنگی به سمت جریان جامعهپذیری سوق می یابند. بنابراین با توجه به مطالب یادشده، شکاف بین زبان مدرسه‌ای و زبان مادری منشعب از فرهنگ بومی و قومی دانش آموزان، امر یادگیری را با مشکل مواجه میسازد. پس در این پژوهش تلاش شده است که اختلالات یادگیری کودکان دو زبانه ناشی از عامل جامعه پذیری مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی برای برطرف شدن این معضل ارائه شود .

با توجه به اهمیت مشکلات یادگیری آن دسته از دانش آموزان ایرانی که زبان مادری آنان متفاوت از زبان فارسی است و با توجه به تأثیرات معنی دار سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی پژوهش انجام گرفته توسط شمس اسفند آباد و امامی پور (۱۳۸۲) به نتیجه رسیده اند که دانش آموزان یک زبانه، در مقایسه با دانش آموزان دو زبانه از سبک یادگیری شهودی یا دیداری برخوردارند، در حالیکه دانش آموزان دو زبانه، در مقایسه با دانش آموزان یک زبانه سبک یادگیری حس و کلامی دارند.

در توجیه توانایی کلامی بهتر دانش آموزان دو زبانه، سیگوان و مک کی، ترجمه واقدی و همکاران (۱۳۶۹) (به نقل از شمس اسفند آباد و امامی پور - ۱۳۸۲) دو زبانه بودن را منبع بزرگی برای کودک محسوب می دارند و معتقدند که: «کودک دو زبانه آگاهی بهتری از زبانهای متفاوت دارد و در یاد گیری زبانهای جدید در موقعیت بهتری قرار دارد. از نظر آن ها زبان هم یک وسیله ارتباطی با دیگران و هم ابزاری برای فعالیت ذهنی است؛ زیرا تفکر تا حد زیادی کلامی است. به این ترتیب آنها بر این اورند که چون فرد دو زبانه از دو زبان سود می جوید و در نتیجه دو ابزار ذهنی در اختیار دارد. دو زبانه بودن موجب افزایش توانایی - های بالقوه او می شود» (ص ۲۳)

یکی از عظیم ترین و حساس ترین حقوق کودکان، حق زبانی و دقیق تر بگوییم زبان آنهاست وسیله ای که جهان درون و بیرون کودک با آن تبیین می شود، با آن لمس می گردد و همراه با آن رشد می کند، پژوهشهای انجام گرفته نیز همین مسئله را آشکار می سازد که آموزش به زبان مادری از نظر روان شناختی، اجتماعی، عاطفی و از نظر آموزشی کودک را تحت تأثیر قرار می دهد و موجب ارتقاء او از نظر تفکر و رشد زبانی و ذهنی او می شود و از نارسائیهای موجود که تحت تأثیر این عوامل بوجود می آید می کاهد.

یکی از عوامل مؤثر در میزان موفقیت کودکان در یادگیری زبان دوم، یادگیری زبان مادری می باشد و اساسی ترین راه ممکن تدوین کتابها و روشهای تدریس مناسب با موقعیتهای متفاوت و آموزش صحیح و اصولی زبان فارسی به کودکان غیر فارسی زبان می باشد و همچنین پیشنهاد تدوین کتابهایی در کنار کتابهای درسی موجود می باشد که زبان مادری آنها را نیز تقویت و گسترش دهند. پس اگر کودک دو زبان را با هم و به موازات هم یاد گیرد و متناسب با توانایی های ذهنی و آموزشی داده شده باشد به تسلط و تبحر کافی در هر دو زبان دست می یابد. در این صورت هر یک از زبانها موجبات غنی سازی و گسترش زبان دیگر را فراهم می سازد و رشد ذهنی و خزانه لغات و واژگانی او گسترده تر و پیچیده تر خواهد شد و رشد زبانی که اساس و بنیاد همه فعالیت های ذهن انسان را تدارک می بیند گسترش می یابد.

فصل سوم

ایده ها:

با توجه به دانش پشتیبان و نتایج بدست آمده از پژوهش های بررسی شده، در ذیل به بیان چند ایده پرداخته ایم که بنظر می رسد بتوانند معلم را در حل مشکل دانش آموزان یاری دهند.

روش جمع آوری اطلاعات:

پس از گردآوری داده های لازم از طریق مطالعه کتابها، مجلات و تحقیقات انجام شده، پرسش نامه ها، مصاحبه با دانش آموزان و مشاهده ی کلاس های همکاران، به تجزیه و تحلیل آن ها پرداخته، ضمن تبادل تجربه با همکاران به راه حل های پیشنهادی زیر دست یافتیم:

وضعیت تحصیل دانش آموزان دو زبانه

برخی از محققان ادعا می کنند که برنامه های آموزشی دوزبانگی برای دانش آموزان نه تنها مضر نیست، بلکه این برنامه ها اغلب سودمند نیز هستند. با وجود اینکه افراد دوزبانه در استعدادهای زبانی با افراد یک زبانه یکسان بودند، اما در پیشرفت تحصیلی به نحو چشمگیری از آنها سبقت می جویند. مطالعات انجام شده در کانادا نشان می دهد که دوزبانگی سبب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می گردد.

دوزبانگی و پیامدهای روانشناختی و آموزشی:

تمام دانش آموزان ایرانی دارای هر زبان که باشند به محض ورود به مدرسه خود را با زبان رسمی آموزش و پرورش مواجه می بینند. در مدرسه بدون توجه به این که تا چه حد با زبان فارسی آشنایی دارد مجبور می شود به زبان فارسی بخواند. بنویسد. صحبت و حتی مفهوم سازی و فکر کند. وضعیت جدیدی دانش آموز در آن قرار می گیرد تأثیر ویژه ای بر وی می گذارد.

پیامدهای مربوط به سازگاری اجتماعی و عاطفی:

زبان وسیله ای برای برقراری ارتباط اجتماعی است و به فهم منظور دیگران کمک می کند و وسیله مؤثری برای انتقال پیام و منظور به دیگران به شمار می رود. اگر دانش آموزی در پیام رسانی و فهم منظور و پیغام دیگران با مشکل مواجه باشد رشد اجتماعی او به خطر می افتد. به همین ترتیب دانش آموزان دو زبانه که زبان همبازی هایشان متفاوت است دچار مشکلات عاطفی خواهند شد. دانش آموزان دو زبانه ای که در مدارس دانش آموزان عادی قرار می گیرند. به دلیل بیان متفاوت با سایرین یا بیان

نا مناسب مطالب مورد تمسخر دیگران قرار می گیرند و پی آمد این وضع احساس خشم و افسردگی است. درچنین شرایطی که دانش آموز دو زبانه مورد بی مهری یا بی اعتنائی همسالانش قرار می گیرد، بر خود پنداره ی او تأثیر می گذارد.

دو زبانی و افت تحصیلی

افت تحصیلی به نو به ی خود به احساس حقارت. نا امید. بی انگیزگی و دلسردی می انجامد. همین ناسازگاری های عاطفی در مراحل بعد مجدداً موجب افزایش وادامه افت تحصیلی خواهد شد. طبق تحقیقاتی که انجام شده پیشرفت تحصیلی دوزبانه ها را بیش دانش آموزان یک زبانه ارزشیابی کرده است. امکان دارد دو زبانی به تضعیف ارتباط بین معلم و شاگرد منجر شود و نه تنها شاگرد بلکه معلم را هم در ناراحتی و شرایط دشواری قرار دهد .

دانش آموزان دوزبانه دوره ی ابتدایی، مخصوصاً در پایه های اول و دوم ، به سبب پایین تر بودن مرحله ی رشد و نداشتن تجربه و مفهوم سازه های ساده تر وضعیتر، ممکن است بیش از سایرین درس معلم را درک نکند.

ازطرفی در صورت نفهمیدن مطلب، این دانش آموزان به دلیل کم رویی و احساس شرم، احتمال کمتری وجود دارد که پرسش خود را مطرح کنند و جویای حل مشکل خود شوند، نتیجه ی طبیعی افت تحصیلی است .

معایب:

۱- وقتی شخص درحال یاد گیری موضوع جدیدی است، عناصر مربوط به دوما موضوع با هم تداخل پیدا می کنند و گاه آموخته های پیشین مزاحم آموختن جدید می شود و گاه موضوع دوم مانع آموختن یا به یاد آوردن موضوع نخست می گردد .

۲- کوشش دانش آموز برای تسلط یافتن بر دو زبان به جای یک زبان، باعث کاهش توانایی او در یاد گیری چیزهای دیگری خواهد شد کاوی به دانستن آنها نیاز دارد .

محاسن:

فرد دوزبانه از دو زبان سود می جوید، در نتیجه د و ابزار ذهنی در اختیار دارد. ۱-دوزبان بودن به ازدیاد توانای های با لقوه ی شخص منجر می شود.

۲-آشنا ی کودک با دو زبان برای او یک امتیاز است اما کسب این امتیاز، باپرداختن بهای خاصی توأم است

انتخاب راه حل ها

۱- دو زبانه بودن موجب تأخیر زبانی می شود

۲- وقتی کودکان از دو زبان بطور آمیخته استفاده می کنند، بدان معناست که گیج شده اند و در دو زبانی مشکل دارند

۳- تا وقتی که کسی بر هر دو زبان تسلط نیافته نمی توان او را دو زبانه کامل نامید

۴- برای اینکه فرد زبان دومی بیاموزد باید از کودکی شروع به یادگیری کند

۵- وقتی کودکی در فضای دو زبانه قرار می گیرد، والدین باید از رویکرد “هر یک از والدین یک زبان” استفاده کنند

۶- اگر می خواهید فرزندان به زبان اکثریت صحبت کند، دیگر نباید به زبان خانه با فرزندان حرف بزیند.

راه حل ها یا ایده های انتخابی

-مصاحبه و گفت و گوی شفاهی با همکاران و عوامل مدرسه

-مصاحبه و گفت و گوی شفاهی با خود دانش آموزان به صورت مستقیم.

-ارزشیابی از کلاس هایی که دانش آموزان هدف طرح در آن حضور داشتند و بررسی نمرات این دانش آموزان

-استفاده از روش دستوری و ترجمه آموزش زبان

انتخاب و اجرای راه حل:

در گام بعدی سعی کردم راهکارهای مطرح شده را به اجرا گذاشته که گزارشی از آن را ذیل آورده ام.

- باتوجه به ارائه راه حل هامرحلی رااجرانموده ام که درحین انجام باهیچ مشکلی روبرونشده ام.وراه حلی که برای این موضوع

انتخاب کرده ام روش دستوری و روش ترجمه میباشد.

الف-روش دستوری:

در این روش قواعد دستوری (صرفی و نحوی)زبان دوم با گروهی از کلمات به زبان آموزان آموخته می شود. سپس آنان بر طبق

قواعد دستور زبان دوم ،با کلمات مربوط جمله های کتبی می سازند و می نویسند. هدف اصلی تمرین قواعد دستور زبانی است

نه جمله سازی. (کسب دانش زبانی بیشتر از کاربرد زبانی)

مثال: ساختن فعل ماضی ساده {ریشه فعل + شناسه ها}

رفتم - رفتی - رفت

به تدریس شفاهی زبان و آموزش تلفظ عناصر زبانی توجه نمی شود.

ب- روش ترجمه:

در این روش با ارائه ی متون نوشتاری در کلاس با استفاده از زبان اول (مادری) به ترجمه ی متون پرداخته می شود. در مراحل

اولیه ترجمه ی زبان دوم به زبان اول صورت می پذیرد سپس سعی می شود ،ترجمه کنار گذاشته شود.

ج- تعامل بیشتر با دانش آموزان

در این مرحله سعی کردم با دانش آموزان بیشتر روابط برقرار کنم و پرسش و پاسخ از زبان و فرهنگ آنها پرسیدم و سعی کردم

هر جلسه تعدادی کلمات به آنها آموزش دهم و جملاتی که قرار بود در جلسات آینده در کارت ها و پوستر ها بنویسند و به

کلاس بیاورند. و به آنها کتاب هایی دادم تا در خانه مطالعه کنند.

د- گفت و گو با والدین

با توجه به نقش به سزای والدین در آموزش زبان به دلیل اینکه بچه ها بیشتر وقت خود را در خانه هستند از والدین خواستم در

محیط خانه با فرزندان بیشتر کار کنند و برای آنها کتاب بخوانند و فیلم های آموزشی تهیه و در اختیار آنها قرار دهند.

هدف / اهداف اجرای ایده و یا راه حل:

هدف اجرای طرح، بررسی مشکلات دوزبانگی دانش آموز دبستان امید اسلام که در منطقه فشافویه (حسن آباد) تهران واقع شده است. در پایان این آموزش پژوهی به دنبال رفع مشکل دوزبانگی می پردازیم که علل و دلایل آن را بررسی کرده که ناشی از مشکلات مختلف است و پیرو آن باعث ضعف درسی شده است. بعد از آن به ارائه راهکارهای مربوطه و بهبود این مشکل می پردازیم تا شاهد تغییرات محسوسی در درس آن ها باشیم.

نیازهای مخاطبان طرح:

در وهله اول مهر و محبت، عاطفه، توجه، اعتماد بنفس و دادن مسئولیت به آن ها و فضای کافی برای رشد خود باوری و اعتماد بنفس به آن هاست. انجام مصاحبه و گفت و گو

منابع، مواد و رسانه های مورد نیاز:

محیطی برای رشد خودباوری و اعتماد بنفس و جلب اعتماد همکلاسی ها و معلمان و عوامل در مدرسه دانش آموزان هدف طرح مشاوره متخصص به علوم تربیتی، روان شناسی کتاب های آموزش قواعد زبان دوم- استفاده از صداها و فیلم های با زبان دوم

گام های اجرای طرح آموزش پژوهی

موضوع:

چگونه توانستم مشکل دوزبانی دانش آموزم را در کلاس درس برطرف کنم.

گام اول

شناسایی و تشخیص مساله دانش آموزی که مشکل دوزبانی دارد

گام دوم

شناسایی و تشخیص دلایل به وجود آمدن مشکل در دانش آموز. مشاهده رفتار دانش آموز، مشاهده فعالیت های درسی و کلاسی و مشاهده رفتار او با همکلاسی هایش در کلاس و در زنگ تفریح در حیاط مدرسه، مصاحبه با مادر دانش آموز، صحبت با آموزگار سال گذشته و معاون و مشاور مدرسه.

گام سوم

اقدام بر رفع مشکلی که از عوامل ایجاد مشکل دوزبانی بوده و تلاش برای فراهم کردن محیطی مناسب که توانایی های فردی دانش آموز در آن دیده شود.

گام چهارم

پس از آماده سازی محیط و لوازم اجرای طرح در کلاس با توجه به آن که دانش آموزم دوزبانه میباشد بنابراین در شیوه های تدریس و انجام تکالیف سعی در استفاده از شیوه تدریس متفاوت و آموزش قواعد و فیلم های زبان فارسی کردم تا او را تشویق به یادگیری و انجام تکالیفش کنم.

گام پنجم

مشاهده رفتار دانش آموز و بررسی تفاوت های زبانی ایجاد شده در او

معیارهای موفقیت برنامه

اجرای طرح در مدرسه دبستان آمنه در شهر هوشک در سیستان و بلوچستان شهرستان سراوان است به صورت عملی و قرار دادن دانش آموزان در موقعیت های عملی و همکاری عوامل مدرسه و خانواده و از همه مهمتر خود دانش آموز است. اجرای این برنامه مورد توجه مدیر و معاون مدرسه و همچنین اولیای دانش آموز قرار گرفت. به طوری که معاون مدرسه رضایت خاطر از پیشرفت دانش آموز در فهم زبان معلم و پیشرفت تحصیلی او نسبت به سالهای قبل داشته است. و دیگر خبری از مشکلات ناشی از دوزبانی در او نبود.

فصل چهارم

زمان و مکان اجرای طرح:

زمان شروع: از ۱ مهر ماه سال جاری همزمان با شروع سال تحصیلی جدید.

پایان آن، پایان پودمان

مکان: مدرسه آمنه در شهر هوشک در سیستان و بلوچستان شهرستان سراوان

توصیف عاطفی:

معمولا زبان عامل اصلی ارتباط و تفهیم و شفاف سازی است. ولی برای کودکان دو زبانه حالت عکس و مانعی بر سر راه تفهیم و تفاهم است. دو زبانی پدیده ای است که در اکثر کشورهای جهان به چشم میخورد و بهره مندی از یک زبان دوم برای برقراری ارتباط بین سایر هموطنان یک حق برای تمام هموطنان است. کشور ما از جمله کشورهایی است که تنوع زبانی را در خود دارا است. به عنوان مثال زبان بلوچی، آذری، ترکی و ... بررسی هر کدام از این زبانها بر وجهه و اهمیت زبان فارسی که به عنوان زبان فرهنگ و رسوم ما شناخته میشود میافزاید. دانش آموزان دو زبانه بیشتر موقعی به دو زبانی خود پی میبرند که وارد نظام آموزشی مدرسه میشوند و زبان رسمی را از طریق نظام آموزشی مدرسه فرا میگیرند به نظر میرسد مشکل اصلی این دانش آموزان سواد آموزی نیست زیرا در درک ریاضی، علوم و ... مشکل ندارند، مشکل آنها این است که نمیتوانند به زبانی که معلم تکلم میکند با او ارتباط ادراکی برقرار کنند. زبان برای دانش آموزان فارسی زبان وسیله ای آشنا در دسترس و بدون تلاش آگاهانه است در حالی که برای دانش آموزان غیر فارسی زبان وسیله ای نا آشنا و تلاش آگاهانه است. بیشتر وقت و انرژی غیر فارسی زبانها، صرف درک زبان و زبان آموزی میشود و برای سواد آموزی، انرژی و انگیزه کافی باقی نمی ماند. اینجانب سمانه قاسمی، امسال در مدرسه آمنه در شهر هوشک در سیستان و بلوچستان شهرستان سراوان به عنوان آموزگار مشغول خدمت هستم. از روزهای آغازین سال تحصیلی جدید با نام و یاد خدا امر مقدس تعلیم و تربیت دانش آموزان را با تدریس- پرسش و پاسخ، تکرار و تمرین و رفع اشکال شروع نمودم و از همان روزهای آغازین سال تحصیلی توانستم با دانش آموزان خود پیوند و ارتباط خوبی برقرار نمایم و از جلسات بعدی روند پیشرفت و موفقیت دانش آموزان تمام پایه ها را با توجه به میل و اشتیاق آنها نسبت به مشارکت در فعالیت های کلاسی، نمرات قابل قبول در امتحانات کلاسی و پیشرفتی که در برخی از دانش آموزان مشاهده مینمودم مثبت و رضایت بخش ارزیابی نمودم تا اینکه با گذشت هفته اول مهرماه از همان روز های اول بنده و دیگر همکاران شاهد انزوا و گوشه گیری و عدم مشارکت یک دانش آموز در روند فعالیت های مجازی کلاسی بودیم. برداشت بنده و همکاران از بی انگیزگی و کناره گیری این دانش آموزان از شرکت در فعالیت های کلاسی این بود که این دانش آموزان باتوجه به زبان بلوچی که دارند و دو زبانه بودن توانایی تکلم و صحبت کردن سلیس و روان به زبان فارسی را ندارند و با توجه به تعهد و وجدان کاری و علاقه ای که بنده اولاً به حرفه و شغل شریف معلمی و ثانیاً به تک تک دانش آموزان دارم از همان روزهای آشنایی با این دانش آموزان سراسر با این سوال مواجه بودم که چه کنم چگونه تدریس کنم از چه ترفندها و تکنیکهایی بهره ببرم تا بتوانم دانش آموزان را مشتاق و با انگیزه به شرکت در فعالیت های کلاسی نمایم و بتوانم شرایطی فراهم کنم که دانش آموزان هم از آموزش یکسان و برابر با دیگر دانش آموزانم بهره ببرند و خودشان را به عنوان جز مهم و رکن اصلی کلاس درس بپذیرند.

استنباط

فهم زبان معلم یکی از مولفه های مهم در عرصه تعلیم و تربیت است. کژ فهمی در دانش آموزان سخنان معلم در دانش آموزان دوزبانه نیز به صورت گسترده وجود دارد. یکی از دلایل ضعف دانش آموزان در یادگیری می باشد که خود دلایل مختلفی از جمله عدم آموزش زبان دوم و ... دارد..

بازنگری

بازنگری (سفید): فضای کلاس تا حدودی پر شور و نشاط است و رابطه ی مثبت بین معلم و دانش آموزان برقرار است.

بازنگری (قرمز): علیرغم تلاش زیاد معلم در تقویت زبان دانش آموز ، باز هم محدودیت فضای مجازی به معلم این امکان را نمی دهد که راهکارهایش را به طور کاملتر انجام دهد.

بازنگری (زرد): با توجه به حضور دانش آموزان فارسی زبان در کلاس درس نمیتوان کل کلاس را به حل این مشکل اختصاص داد.

بازنگری (سبز): بهتر است معلم برای تقویت زبان دانش آموزان راه حل های دیگری هم بیاندیشد.

او می تواند هفته ای یکبار با دانش آموزان از طریق پیام رسان های دیگر، ارتباط تصویری دو طرفه برقرار نماید و دقایقی با یکدیگر گفتگو داشته باشند .

بازنگری (آبی): با این همه، می توان زبان رسمی کلاس را در دانش آموزان تقویت کرد . شایسته است معلم با بررسی و تلاش بیشتر برای بهتر شدن هر چه بیشتر وضعیت موجود، راه حل هایی را دنبال کند.

قضاوت

اکثر معلمان معتقدند که دانش آموزان دو زبانه در یادگیری مشکل دارند و دانش آموزانی که مدرسه را با محدودیتهای زبانی آغاز می کنند، در بیان مطالب و مفاهیم خود دچار مشکل می شوند. همچنین آنها معتقدند که دانش آموزان دو زبانه در محیط مدرسه از لحاظ ایجاد ارتباط با همکلاسان و معلم دچار مشکل بود، کم رو و خجالتی هستند. بین دوزبانگی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد. کودکان دو زبانه در درسهای قرائت فارسی و املاء و نیز درک معنی و مفهوم کلمات و یادگیری آنها و بیان مطالب و سوالات خود دچار مشکل می باشند.

باتوجه به ارائه راه حل همامرحلی را اجرانموده ام که درحین انجام باهیچ مشکلی روبرو نشده ام،و راه حلی که برای این موضوع انتخاب کرده ام روش دستوری و روش ترجمه میباشد.

الف-روش دستوری:

در این روش قواعد دستوری (صرفی و نحوی)زبان دوم با گروهی از کلمات به زبان آموزان آموخته می شود. سپس آنان بر طبق قواعد دستور زبان دوم ،با کلمات مربوط جمله های کتبی می سازند و می نویسند. هدف اصلی تمرین قواعد دستور زبانی است نه جمله سازی. (کسب دانش زبانی بیشتر از کاربرد زبانی)

مثال: ساختن فعل ماضی ساده {ریشه فعل + شناسه ها}

رفتم،رفتی، رفت

به تدریس شفاهی زبان و آموزش تلفظ عناصر زبانی توجه نمی شود.

در این روش با ارائه ی متون نوشتاری در کلاس با استفاده از زبان اول (مادری) به ترجمه ی متون پرداخته می شود. در مراحل اولیه ترجمه ی زبان دوم به زبان اول صورت می پذیرد سپس سعی می شود، ترجمه کنار گذاشته شود.

شواهد ۲) بازخوردهای دانش آموزان و تفسیر آن):

پس از شناسایی دانش آموز و نشستن پای صحبت هایشان و اهمیت دادن به مشکلش متوجه این شدم که او از این برخورد صمیمانه احساس رضایت دارد و بیشتر جذب میشود و سعی بر آن دارد تا به نحوی اعتماد من را جلب کند و این خود به نحوی حواس او را درگیر کلاس و من میکند و از توجه به چیزهای متفرقه دور میشود. نکته قابل توجه برای من در طول این مدت تغییر نگرش همکلاسی های دانش آموز نسبت به او بود. پیش از اجرای طرح در گروه بندی ها هیچ کس دوست نداشت دانش آموز با آنها هم گروه باشد زیرا معتقد بودند او تنبل است و حرف های آنها را متوجه نمیشود. اما پس از اجرای این طرح دانش آموزان نیز به این نتیجه رسیدند که به جای تکیه بر نقاط ضعف دانش آموز میتوانند از توانایی های او در موفقیت بهره ببرند.

نتیجه گیری و خود ارزیابی کلی (طراحی و اجرای طرح وایده) :

با توجه به موضوعی که انتخاب کردم و شناسایی دانش آموز هدف و دیدن مشکلات ناشی از دوزبانی او و جلوگیری از این مشکل که به دنبال آن هزاران مشکل برای این دانش آموز رخ میدهد مشوقی است برای ادامه طرح. من به عنوان معلم دغدغه یادگیری دانش آموزانم را دارم و این مسأله را خیلی خوب میدانم که سلامت روان دانش آموز بر هر چیزی اولویت دارد. بنابراین برای دانش آموزی مانند این دانش آموزم که دارای مشکلات دوزبانی بود و در درمان بخشی از مشکلاتش بر عهده معلم نبود و باید تحت نظر خانواده و مشاور به آن رسیدگی میشد. تصمیم گرفتم برای بالا رفتن توانایی او تلاش کنم تا از این طریق بتوانم بخشی از مشکلات او را که مربوط به نفهمیدن زبان معلم و دوزبانی بود را برطرف کنم. به این قضیه پی برده بودم که کمبودها و ضعف درسی در او منجر به بروز رفتارهای ناسازگارانه، پرخاشگری، و حسودانه در او می شود که در نتیجه بهبود در او به مرور رفتارهای دیگر او نیز بهبود پیدا کردند و در آخر اینکه من به عنوان معلم این دانش آموز بسیار خرسند از ایجاد این تغییرات در او که منجر به بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزم شده هستم. با توجه به موضوعی که انتخاب کردم و شناسایی دانش آموزان هدف و دیدن اشتیاق آن ها برای درک مفاهیم و سخنانم، مشوقی است برای ادامه طرح، به امید آنکه در پایان دانش آموزان هدف طرح بتوانند از موفق ترین دانش آموزان کلاس باشند. بهد از اجرای راهکارها نتایج بسیار خوبی در فهم و پیشرفت تحصیلی دانش آموز ایجاد شد. پیامدهای منفی دوزبانی، هنگامی بروز می کند که زبان مادری وسیله محاوره در خانه و جامعه است، اما جایی در نظام آموزشی ندارد. بنابراین پیشنهاد می شود که زبان مادری حداقل تا پایه پنجم ابتدایی در کنار زبان فارسی تدریس شود. در شرایطی که زبان مادری به نحوی در نظام آموزشی راه یابد، فرد دو زبانه از اعتماد به نفس و احساس توانایی بیشتری برخوردار خواهد شد. همچنین اگر کودک دو زبان را با هم یاد بگیرد و در هر دو زبان به موازات هم از مراحل مؤثر در یادگیری زبان بگذرد، متناسب با توانایی ذهنی و آموزشهایی که به او داده می شود، در هر دو زبان به تبحر نسبی دست می یابد. در چنین وضعیتی، هر یک از زبانها به غنی سازی زبان دیگر کمک می کنند و تبحر بدست آمده در یک زبان- طبق اصل انتقال و تصمیم- به زبان دیگر منتقل می شود. فردی که دو زبان را به موازات هم یاد می گیرد، می تواند دو دنیای متفاوت را درک کند و خزانه واژگانی و منبع اطلاعاتی او گسترده تر و پیچیده تر می گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- باطنی، محمد رضا. (۱۳۶۹). زبان و تفکر: «مجموعه مقالات زبانشناس». تهران، انتشارات مهدی.
- ۲- لطف آبادی، حسین. (۱۳۶۵). «روانشناس رشد زبان». مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳- امیر قاسمی، مینو. (۱۳۸۴). «مشکلات کتابهای درسی برای کودکان غیر فارسی زبان» ماهنامه دیلماج، ۱۳، ۱۳ - ۸.

- ۴- مدرس ، سولماز . (۱۳۸۴) . «ضرورت برنامه ریزی برای زبانهای مادری». ماهنامه دیلماج. ۱۳، ۲۹ - ۲۰.
- ۵- مدرس ، سولماز . (۱۳۸۳) . «مشکلات دانش آموزان دوزبانه». ماهنامه دیلماج . ۴ ، ۴۱ - ۳۱ .
- ۶- فنایی ، معصومه . (۱۳۸۴) . «بررسی مسائل دو زبانی تحصیلی دانش آموزان» . ماهنامه دیلماج . ۱۳، ۲۹ - ۲۰ .
- ۷- شمس اسفند آباد ، حسن - و امامی پور ، سوزان . (۱۳۸۲) . «مطالعه سبک های یادگیری در دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه» . فصلنامه نو آوری آموزشی ، ۵ ، ۲۷ - ۱۱ .
- ۸- عارفی ، مرضیه . (۱۳۸۲) . «بررسی مهارتهای زبانی - شناختی کودکان دو زبانه با زمینه های اقتصادی - فرهنگی متفاوت . فصلنامه نو آوری های آموزشی ، سال دوم ، ۶۸ - ۵۷ .
- ۹- افتخاری ، زهرا - سعد الهی ، علی - و کسبی ، فاطمه . (۱۳۸۴) . «بررسی تأثیر زبان سمنانی بر میانگین طول گفته فارسی کودکان ۶ ساله طبیعی» . مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان . ۴ ، ۲۹۵ - ۲۹۱ .
- ۱۰- رحمت زهی خدانظر ، شجاعی فر زینب (۱۳۹۷) . تأثیر دوزبانه بودن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی، دوره ۱.